

یعنی تو زن من شوی و من شوهر تو» من از یکطرف گوش
باین کلمات سرا پا محبت میدادم و از طرفی اندیشه‌های خودم مرا
غرق کرده بود میخواندم:

گوشهٔ ابروی تست منظرهٔ چشم

خوشتر ازین گوشه پادشاه ندارد

درین اثنا جوان دیگر طاقت نیاورد و بواسطهٔ غلیان احساسات
عاشقانه یکمرتبه حجب حیا را که در مقابل آتش عشق تودهٔ پنبه‌ای
پیش نیست کنار گذاشته دست در کیسوان دختر کرد و لبهای
خود را به لبهای معشوقه چسباند. من با صدائی که از حزن یا از
شوق می‌لرزید میخواندم:

حافظ اگر سجدهٔ تو کرد مکن عیب

کافر عشق ای صنم گناه ندارد

که آهنگ لطیف بوسهٔ طولانی آنها شنیده شد و دو عاشق و
معشوق در هوای لطیف شبانگاهی در دامنهٔ عظیم البرز در مقابل
زهره رب النوع مهر و کنگره آب زلال رود پیمان دوستی را با
هم بستند!

طهران — شوال ۱۳۴۲ — محمد علی گلشائیان

زندگتان جاوید

چهرهٔ ملال

— پروان باک آموزگار مرحوم میرزا تقی خان رفعت —

پیچیده جهان یکسره در چادر ظلمت
انوار صفا دار قمر با لب خندان

میداد بصد عشق همی بوس فراوان
 بر چهره زیبا و فسونکار طبیعت!
 آنگاه که مجذوب طبیعت شده بودم
 زانورده در گه وحدت شده بودم
 روحی، شبحی، خاسته از عالم بالا
 با چشم سیه، چهره بی رنگ و غم افزا
 لبهای سفیدش همه پر لرزش محسوس
 با یک حرکت گفت: «بر این زندگی افسوس!»
 و آنگاه نهان گشت چویک پرده واهی
 در عمق دلم ماند ازان دیده نگاهمی
 آفاق، طبیعت، همگی خائف و لرزان
 بر چهره خود قرص قمر رنگ الم داد
 نا که ز دل ظلمت شب خاسته فریاد
 «افسوس بر این زندگی و مردم نادان»

احمد خرم

تبریز ۷ محرم ۱۳۳۹

مرحوم میرزا تقی خان رفعت‌نیر آقا محمد تبریزی، قدی
 متوسط، جثه لاغر، قیافه متناسب، چشم و ابروی درشت و سیاه،
 نگاههای تند و جذاب، رنگی پریده، قلبی از برگ گل نازکتر
 و دلی حساس و پر از عشق و شور داشت.

پس از اكمال تحصیلات خود دز اسلامبول چند سال مدیریت
 مکتب ایرانیان طربزون را اشغال نموده. پس از تصرف «طربزون»
 از طرف روسها در جنگ عمومی دز حوالی سال ۱۳۳۵ بمولد
 خود «تبریز» برگشته يك نفر از پر قیمت ترین و مقتدرترین
 معلمین مدرسه متوسطه تبریز و نویسنده نامه «تجدد» (که در تحت

مدیریت مرحوم خیابانی انتشار می یافت) و مدیر مجله «آزادی ستان» تبریز بود. در سه زبان فارسی، فرانسه، ترکی هم ادیب و هم شاعر بود، و در هر سه زبان فوق آثار پر قیمت و غزلهای دلنشین دارد. اشعار فارسی او اغلب در روزنامه «تجدد» و مجله «آزادی ستان» مندرج است. میرزا تقی خان یک نفر از دل با ختگان پر شور و صمیمی تجدد ادبی و اجتماعی ایران بود. افسوس که از اشعار خود آن مرحوم در دست نبود ولی طرز انشاء و قافیه در اشعار فوق تماماً به اسلوب و روش آن مرحوم است. آقای رفعت یکی از پیش قدمان قیام ملی آذربایجان و هم عهد و مجذوب روح داهی بزرگ ایران شیخ محمد خیابانی بود که در «قزل دیزج» (یکی از قراء، اطراف تبریز) پس از خبر قتل خیابانی روز چهارشنبه غره محرم ۱۳۳۹ در سن سی و یک سالگی خود را کشت.

ح. مهرداد.

جواب سؤالهای علمی

جواب ششم بقلم آقای شمس الافضل ناظر شرعیات وزارت معارف در سابق.

در شماره ۹ مجله ایران‌شهر شرحی در صفحه ۵۵۷ و ۵۵۸ نگاشته شده بود لازم شد خاطر فضلا و ابناء وطن عزیز را متذکر نمایم که معنای شعر حافظ آن نیست که در مجله ایران‌شهر مرقوم شده بلکه مضای آن مطابق عقیده جمعی از عرفا این است که پیر ما یعنی پیغمبر اکرم فرموده است این خطاها که در دار تکلیف ناشی میشود فقط مستند بمخلوق است و مربوط بقلم قضا و قدر و صنع و ایجاد نیست این است معنای شطر اول بیت و معنای شطر دوم این است که پیر ما خطا پوشی کرده یعنی خطاهایکه از مخلوق ناشی میشود مستند بقلم صنع و تقدیر است ولی من باب